

سیاست تعهدات چندگانه و چندجانبه هند در قبال ایران و اسرائیل:

دلایل و پیامدها

رضا سیمبر^۱

استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران

دانیال رضاپور

دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران

صدیقه آذین

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران

علی اسکندری نسب

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۵/۲۹ - تاریخ تصویب ۹۹/۱۲/۱۴)

چکیده

موفقیت در پیشبرد سریع توسعه به همراه عمل‌گرایی اقتصادی باعث شده تا هند اولاً به یکی از پویاترین کشورها در اقتصاد جهانی تبدیل شود و ثانیاً به عنوان یک کانون نوظهور ثروت و قدرت در جهان تلقی بشود. الزام توسعه اقتصادی این کشور از یک طرف و دگرگونی‌های گسترده در نظام بین‌الملل، جهت‌گیری جدید را به سیاست خارجی این کشور در خاورمیانه و در قبال اسرائیل و ایران تحمیل کرده است. در این مقاله به دلایل تغییر سیاست خاورمیانه‌ای هند از سیاستی که در عصر جنگ سرد در پرتو اصل عدم تعهد تعریف می‌شد به سیاستی که بر اساس ضرورت‌های جدید منافع ملی هند بازتعریف شده متمرکزیم. بنابراین با توجه به مقدمات فوق، سوال اصلی این مقاله آن است که با توجه به گزینه‌های پیش روی هند، سیاست خارجی هند در قبال اسرائیل و ایران با چه تغییراتی همراه شده است؟ فرضیه مقاله اینگونه مطرح می‌شود که سیاست خارجی هند در حوزه خاورمیانه از سیاستی ایدئولوژیک و جهان سوم‌گرایانه که بر اصول عدم تعهد مبتنی بوده است به سیاست تعهدات چندگانه و چندجانبه مبتنی بر ضرورت‌های دسترسی به منابع انرژی‌های نفت و گاز، بازارها، تسلیحات نظامی است.

واژه‌های کلیدی: هند، خاورمیانه، منافع ملی، ایران، اسرائیل.

Email: rezasimbar@hotmail.com

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال سیزدهم، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۹، صص. ۶۹-۹۳.

DOR:20.1001.1.24234974.1399.13.4.6.2

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

مقدمه

سیاست خاورمیانه‌ای هند، طی سال‌های پس از استقلال سیاستی ترکیبی، چندوجهی، دارای لایه‌های متعدد و برگرفته از عواملی نظیر نگاه خاص رهبران موسس و فرهمند به این منطقه از جهان بوده است. نگرش انسانی، منصفانه و مبتنی بر عدالت نسبت به فلسطینیان، نقش اساسی در تعاملات دهلی‌نو با واحدهای سیاسی منطقه داشته است. از سوی دیگر تجربه تلخ استعمار طولانی مدت هند، مخالفت با سیاست‌های سودجویانه کشورهای استعمارگر نسبت به کشورهای منطقه، موجبات دوستی دوجانبه و زمینه‌های همکاری با کشورهای منطقه را فراهم آورده است. افزون بر این، جلب نظر کشورهای اسلامی و البته تامین منافع و مصالح شهروندان و نیروی کار مهاجر به این منطقه با رعایت رقابت شدید و پاکستان، دهلی‌نو توانست روابط خود با کشورهای منطقه را به رغم تمایل هند به شرق و تعلق خاطر عموم کشورهای منطقه به غرب به خوبی تنظیم کند. در این میان تامین انرژی مورد نیاز به قیمت ارزان و در دسترس و مستمر، مدنظر دهلی‌نو بوده و کوشیده تا با لحاظ نگرانی‌های خاص اعراب و نیز افکار عمومی مسلمانان در داخل و خارج، منابع مورد نیاز انرژی خود را به شکل مطلوبی تامین کند. بنابراین دلایل زیادی در پشت هم افزایی هند با کشورهای خاورمیانه‌ای (غرب آسیا) وجود دارد که به شرح زیر است:

۱- از نظر استراتژیک، خلیج فارس به علت اینکه تنگه هرمز در استراتژی امنیت دریایی هند تاثیر گذار است، بسیار مهم است.

۲- هند بسیار متکی به نفت و گاز غرب آسیا است و باید روابط صمیمانه خود را با اکثر تأمین کنندگان عمده از جمله ایران، امارات، قطر و عربستان سعودی و همچنین عراق حفظ کند. در حالی که این کشورها باید نفت و گاز خود را بفروشند و هند نمی‌خواهد در برابر قطع موقتی یا افزایش قیمت، امنیت انرژی اش زیر سوال رود، دهلی‌نو مشتری منابع نفتی و گاز این کشورها می‌باشد.

۳- پاکستان در غرب آسیا از طریق سازمان همکاری اسلامی در تلاش است تا از موضوع کشمیر بیشترین پشتیبانی را بدست آورد. بنابراین هند با انجام دیپلماسی پیچیده توازن قدرت در تلاش است تا با نفوذ پاکستان در منطقه خلیج فارس مقابله کند.

۴- اسرائیل به دلیل پشتیبانی فنی، اطلاعاتی و نظامی برای هند بسیار مهم است. با نگاهی به حمایت مداوم آمریکایی‌ها از اسرائیل، هند با اسرائیل در دوران پس از جنگ سرد ارتباط داشته است. اکنون، اسرائیل یکی از عمده‌ترین تأمین‌کنندگان تجهیزات نظامی در هند و همچنین یک شریک تجاری مهم بوده است.

۵- دخالت مستقیم آمریکا در سیاست‌های خاورمیانه برای سازوکار موازنه بخش هند در خاورمیانه و برای اجرای سیاست خارجی مستقل در غرب آسیا مشکل ساز است. همچنین هم‌افزایی هند با اسرائیل و حملات جنجالی اسرائیل به فلسطین باعث گسترش این مشکلات شده است. بنابراین این مشکلات نه تنها برای هند در دیپلماسی منطقه‌ای بلکه برای سیاست داخلی نیز مشکل ساز است زیرا مسلمانان هند همدردی زیادی نسبت به فلسطین دارند و ایجاد تعادل بین اسرائیل و فلسطین برای هند یک کار بسیار سخت شده است.

۶- دهلی نو باید آگاهانه روابط توازن بخشی با تل آویو و تهران را برقرار کند، از نظر ایالات متحده، ایران "دولت سرکش" است. ادعای اصلی علیه ایران که تولید سلاح هسته‌ای است، منسوخ شده است. زیرا تاکنون هیچ مدرکی در دست ایالات متحده آمریکا نمی‌باشد. با این وجود ایالات متحده آمریکا ایران را تحریم کرد و هند را مجبور به قطع روابط خود با ایران کرد. تبادل با ایران، به ویژه واردات گاز طبیعی، به عنوان بزرگترین منبع تأمین سوخت هند بسیار مهم است، بنابراین چگونگی رفتار هند با ایران این یک سوال بسیار مهم در معادلات منطقه‌ای می‌باشد.

۷- غرب آسیا قطب تروریسم بین‌المللی می‌باشد. حملات تروریستی مهلک توسط القاعده و داعش در عراق، سوریه، اردن، یمن و جاهای دیگر صورت می‌گیرد. در چند وقت اخیر چندین شهر از بین رفته و هزاران تلفات توسط داعش رخ داده است. در همین راستا هند

برای مقابله با تروریسم بین‌المللی چندین گام در همکاری با کشورهای عربی برداشته است. بنابراین با توجه به موارد فوق، هند با رشد مستمر اقتصادی سه دهه اخیر خود به یک قدرت نوظهور تشنه انرژی و خواهان گسترش حوزه نفوذ در محیط پیرامونی خویش به ویژه در خاورمیانه تبدیل شد. چنین ظرفیت و توانمندی‌هایی است که هند را متمایل به بازتعریف منافع خود نموده است. به باور دولت‌مردان دهلی‌نو، سطح قابلیت‌های این کشور به گونه‌ای است که آنها می‌توانند قدرت خود را در فواصل دورتر از مرزهای اصلی، به کار گیرند. این موضوع، نکته مهمی است؛ در واقع، هند با طرح این مباحث، مدعی است در حال تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ و جهانی است. از شاخص‌های اصلی ارتقای سطح و جایگاه کشورها، متنوع‌سازی و بهره‌برداری سیاسی-اقتصادی و امنیتی از مناطق مختلف است که غرب آسیا با قرار گرفتن در اولویت سیاست خارجی هند نگارندگان این مقاله را متقاعد کرده است که راهبرد و سیاست‌های پیوند و ارتباط هند با دو بازیگر مهم این منطقه {ایران و اسرائیل} را مورد تبیین و بررسی قرار بدهند.

از زمان برقراری روابط کامل دیپلماتیک با تل آویو در سال ۱۹۹۲، هند تلاش کرده است روابط خود را با اسرائیل و ایران به صورت هدفمندی شکل دهد. با این حال، با شدت گرفتن رقابت اسرائیل و ایران در سال‌های اخیر، حفظ این موازنه به طور فزاینده‌ای دشوار شود. حمله سال ۲۰۱۲ به سفیر اسرائیل در دهلی نو - که اسرائیلی‌ها پیکان حمله را به سمت ج.ا.ایران نشانه بردند- این فرضیه را تقویت کرد که هند در درگیری قرار بگیرد که تاکنون از آن فاصله داشته است. همچنین با شدت گرفتن هرچه بیشتر طبل جنگ دول عربی همراه با اسرائیل علیه ایران، استراتژی هند برای حفظ موازنه دو قدرت منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا بسیار مهم است به طوری که هند با استفاده از موقعیت منحصر به فرد خود به عنوان یک شریک راهبردی برای هر دو کشور، باید بطور فعالانه سعی کند خصومت رو به رشد بین ایران و اسرائیل را تضعیف کند. این استراتژی نه تنها بهترین راه برای محافظت از منافع هند

در این کشورها می‌باشد، بلکه می‌تواند به هدف بزرگتر دهلی‌نو برای تبدیل شدن به یک بازیگر برجسته و مستقل در امور جهانی کمک کند.

هند در روابط دوجانبه خود با ایران و اسرائیل دارای منافع مهم استراتژیک است. روابط انرژی ستون فقرات روابط هند و ایران است. رشد چشمگیر اقتصادی هند با وجود منابع انرژی نسبتاً گسترده داخلی، آن را وابسته به انرژی خارجی کرده است. هند به عنوان چهارمین واردکننده بزرگ خالص نفت در جهان، تقریباً ۷۵ درصد از نفت خود را در سال ۲۰۲۰ از کشورهای نفتی وارد می‌کند. قبل از فشار حداکثری دونالد ترامپ و تحریم نفتی، ۱۳ درصد از این واردات نفت به هند از طریق ایران صورت می‌گرفت و این باعث شد برای دهلی‌نو بعد از عربستان، ایران بزرگترین تامین کننده نفت باشد. علاوه بر این، شرکت‌های هندی چندین میلیارد دلار در میدان‌های گاز طبیعی پارس جنوبی ایران و جزیره چابهار با وجود اینکه تحریم‌های آمریکا علیه بخش انرژی ایران شکل گرفته است، سرمایه‌گذاری کنند. همچنین ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک منحصر به فرد خود، منطقی‌ترین کریدور هند برای نفوذ به آسیای میانه و افغانستان محصور در خشکی است. بنابراین اگر هند بخواهد جاه‌طلبی‌های خود را در این عرصه‌های ژئوپلیتیکی ارزشمند تحقق بخشد، حفظ روابط صمیمانه با ایران ضروری است. علاوه بر این، هند و ایران دارای هدف مشترک استراتژیک ثبات منطقه‌ای در جنوب غربی آسیا هستند. هر دو کشور از احتمال بی‌ثباتی طولانی مدت در پاکستان و افغانستان نگران هستند. در حالی که هند در وهله اول نگران اهرم فشار پاکستان در افغانستان است، ایران نسبت به جنبش‌های فرقه‌ای طالبان به ویژه در زمینه افزایش احساسات ضد شیعه در عربستان و شورای همکاری خلیج فارس نگران است. تهران همچنین نگران است که گروه تروریستی جندالله، از خاک پاکستان برای حمله به جمهوری اسلامی استفاده کند. از این رو خروج قریب الوقوع نیروهای بیگانه، فوریت و اهمیت همکاری استراتژیک هند و ایران را در افغانستان برجسته می‌کند. در مجموع، اگرچه ایران تنها کشور غرب آسیا است که هند را به خاطر عادی سازی روابط با اسرائیل

مورد انتقاد قرار داده است، اما توسعه درک ضروریات استراتژیک یکدیگر باعث تحکیم روابط دو کشور شده است. بنابراین ج.ا. ایران در تبادلات تجاری و اقتصادی خود با هند عامل اسرائیل را کنار گذاشته است اما اسرائیل هر از چندگاهی در مورد برخی از روابط تهران-دهلی نوا ابراز نگرانی کرده است.

نزدیک به سه دهه از برقراری روابط رسمی دیپلماتیک بین هند و رژیم صهیونیستی می‌گذرد. در این سال‌ها، روابط دو دولت به سرعت رو به رشد بوده و از سال ۲۰۰۵، طرفین برای برقراری روابط استراتژیک اقدام کردند. در این زمینه به نظر می‌رسد که روی کار آمدن دو دولت راست‌گرای هندو طی دو دهه اخیر در هند مؤثرترین عامل در جهش سریع روابط با اسرائیل تا سطح استراتژیک باشد. شواهد نشان می‌دهند که به دلایل سیاسی و تاریخی، آتال بیهاری واجپایی (۲۰۰۴ - ۱۹۹۹) و نارندرا مودی (۲۰۱۹ - ۲۰۱۳) نخست وزیران راست‌گرای هند در مقایسه با رهبران حزب چپ‌گرای کنگره هند، تمایل بیشتری به برقراری روابط صمیمانه با غرب و رژیم صهیونیستی داشته‌اند. در عین حال، وجود یک اقلیت یهودی ۸۰ هزار نفری در هند و یک اقلیت کوچک از یهودیان هندی تبار در فلسطین اشغالی بهانه خوبی برای صهیونیست‌ها و راست‌گرایان هندو فراهم ساخته تا به گسترش روابط سیاسی و فرهنگی فیمابین بر اساس ایدئولوژی‌های شان اقدام کنند. در جریان سفر مودی به فلسطین اشغالی در ژوئیه ۲۰۱۷، بنیامین نتانیا‌هو به نکته‌ای اشاره کرد که بخشی از اهداف پشت پرده تل آویو در رابطه با دهلی نو را آشکار می‌سازد. نخست وزیر اسرائیل خطاب به همتای هندی خود گفت: ما به هند عشق می‌ورزیم؛ ما فرهنگ شما و دموکراسی را تحسین می‌کنیم ... ما هفتاد سال منتظران بودیم. اسرائیل هم با نزدیکی به هند، علاوه بر کسب منافع اقتصادی، به دنبال یافتن متحد و شریکی در شرق و در جبهه مخالفان خود و نیز سیستماتیک‌سازی روند مقابله با حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی و تضعیف دشمنان ایدئولوژیک خود در سراسر نقاط دنیا می‌باشد. برای اسرائیل که در میان کشورهای منطقه تقریباً در انزوا قرار دارد کسب متحد قدرتمندی از شرق، بسیار حائز اهمیت می‌باشد و

بخشی از منافع استراتژیک اسرائیل را تامین می‌کند. بنابراین می‌توان مدعی بود که هدف از گسترش رابطه بین هند و اسرائیل براساس موازنه منافع، برای هند برطرف کردن بخشی از نیازهای دفاعی-اقتصادی و برای اسرائیل، استفاده بردن از یک طرح پیرامونی برای تقویت چهره خود در سطح جهانی و در بین مسلمانان بوده است.

پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش احمد و بتانگرا در مقاله "تثلیت هند-ایران-پاکستان: درک همبستگی ژئواقتصاد و ژئوپولیتیک" معتقدند که از لحاظ تاریخی، سیاست هند در ایران یک اقدام متعادل بین حمایت از منافع خود و تضمین همکاری مداوم خود با آمریکا و سایر بازیکنان منطقه است. با این وجود سردرگمی در سیاست هند در قبال ایران هنگامی آشکار شد که برنامه هسته ای ایران در دهه ۲۰۰۰ توجه جهانیان را جلب کرد. استدلال مرکزی این مقاله این است که روابط هند با ایران، از لحاظ وابسته بودن ملاحظات اقتصادی و ژئوپولیتیک، قابل درک است. با این حال، محاسبات سیاسی دوجانبه و چالش‌های اقتصادی فعلی، سیاست محکمی را بر پایه همبستگی دقیق جغرافیایی و ژئوپولیتیک ایجاد کرده اند که عامل پاکستان باعث مستحکم کردن روابط دو جانبه شده است (Ahmad and Bhatnagar, 2018). سینگ در مقاله "هند-اسرائیل: دیدگاهی در غرب آسیا" معتقد است که از دیدگاه غرب آسیا روابط هند و اسرائیل نه تنها با ادعای منطقه‌ای اسرائیل بلکه همچنین موقعیت ژرف سیاسی اسرائیل در چارچوب ژئوپولیتیک غرب آسیا هم‌خوانی دارد. با این حال، رشد اقتصادی و سیاسی هند در دو دهه گذشته و روابط اقتصادی آن با کشورهای آسیای غربی، موضوعات جدیدی را به همراه آورده است. در این دیدگاه، همراه با وعده نقش مثبتی که هند می‌تواند در امور آسیای غربی بازی کند، در حال حاضر به دیدگاه کشورهای عربی از روابط هند و اسرائیل نیز پرداخته می‌شود. همچنین مخالفت اسرائیل با فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران و متحدان و نمایندگان آن در منطقه، ابعاد دیگری از مقاله نگارنده

برای اثبات رابطه مستحکم هند اسرائیل در منطقه است (Singh, 2017). در اثری دیگر اشواریا به بررسی روابط هند با ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم پرداخته است، در این کتاب نویسنده به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی هند با توجه به عوامل و متغیرهای تاثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته است، در این کتاب نویسنده بیش از هر عاملی، جهت‌گیری روابط دو دولت نسبت به ایالات متحده در عصر جنگ سرد و پس از آن مهمترین عامل تاثیرگذار بر روابط دو دولت می‌داند (Ashwarya, 2016). مهدی شاهین در مقاله‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل تعامل و تقابل در سیاست خارجی ایران و هند، با بررسی قواعد مبنایی سیاست خارجی دو دولت به بررسی زمینه‌های همکاری و تعارض ایران و هند در حوزه‌های مختلف سیاست خارجی پرداخته است (شاهین، ۱۳۹۵). در این مقاله ضمن استفاده از منابع برجسته و مفیدی که در حوزه سیاست خارجی هند انجام شده به بررسی تغییر سیاست خاورمیانه‌ای هند از سیاستی که در عصر جنگ سرد در پرتو اصل عدم تعهد تعریف می‌شد به سیاستی که بر اساس ضرورت‌های جدید منافع ملی هند بازتعریف شده متمرکزیم. بنابراین با توجه به مقدمات فوق، سوال اصلی این مقاله آن است که با توجه به گزینه‌های پیش روی هند، سیاست خارجی هند در قبال اسرائیل و ایران با چه تغییراتی همراه شده است؟ فرضیه مقاله نیز در پاسخ به این پرسش اینگونه مطرح می‌شود که سیاست خارجی هند در حوزه خاورمیانه از سیاستی ایدئولوژیک و جهان سوم‌گرایانه که بر اصول عدم تعهد مبتنی بوده است به سیاست تعهدات چندگانه و چند جانبه مبتنی بر ضرورت‌های دسترسی به منابع انرژی‌های نفت و گاز، بازارها، تسلیحات نظامی و جذب سرمایه گذاری است.

۱- چارچوب نظری {موازنه منافع}

رندل شولر نظریه موازنه منافع را از نقد نظریه سیاست بین‌الملل والتز آغاز می‌کند. والتز بر این باور است که برای دولت‌ها با انگیزش بقا به مثابه اصلی‌ترین بازیگران در عرصه بین-

المللی، فشار ساختار آنارشیکی سیستم بین المللی بیش از هر محرک دیگری بر رفتار آن‌ها تاثیر می‌گذارد. والتز بر این است که در سیستم خودیار، فشار رقابت به مراتب سنگین‌تر از فشارهای سیاسی و ترجیحات ایدئولوژیکی است. اما نظریه سیاست بین‌الملل والتز توضیح نمی‌دهد که دولت‌ها دقیقا چگونه به این فشارها پاسخ می‌دهند. شولر بر این باور است که نظریه نئورئالیستی والتز ممکن است علت ناکامی سیاست یک دولت خاص را تبیین کند اما نمی‌تواند تمایز رفتار دولت‌ها را توضیح دهد. شولر علاوه بر فشارهای ساختاری به متغیرهایی توجه دارد که در سطح واحدها بر چگونگی پاسخ آن‌ها به فشارهای بیرونی تاثیر می‌گذارد. به عبارتی شولر با کاربست متغیرهای داخلی و خارجی نظریه موازنه منافع را برای تبیین رفتار دولت‌ها در آنارشی ارائه می‌کند. از این منظر علاوه بر فشارهای سیستم بین‌المللی، عوامل داخلی از قبیل ارزش‌های انقلابی و عوامل نهادی بر رفتار دولت‌ها تاثیر می‌گذارد و با توجه به این که این متغیرها در درون دولت‌ها متفاوت هستند پس دولت‌ها ضروتا سیاست‌هایی تدافعی اتخاذ نمی‌کنند. بلکه فراتر از آن شولر بر این باور است که دولت‌ها سرشت و سیاست‌هایی توسعه طلبانه دارند و به طور اساسی دو نوع دولت ناراضی و تجدید نظر طلب وجود دارد، تجدید نظر طلب با اهداف محدود و تجدید نظر طلب با اهداف نامحدود (جانسیز و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف محدود دولتهایی هستند که درصدد ارتقا وضعیت خود درون نظم بین‌المللی هستند و دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود دولتهایی هستند که درصدد دگرگونی هنجارهای نظم مستقر و سلطه جهانی و تفوق ایدئولوژیکی هستند. به باور شولر متغیرهای سطح ملی نقش مهمی در استراتژی تجدیدنظرطلبی با اهداف محدود و یا تجدیدنظرطلبی با اهداف نامحدود به وسیله دولت‌ها دارد و هنگامی که عواملی که سبب شده است یک دولت استراتژی تجدیدنظرطلبانه با اهداف نامحدود را اتخاذ نماید، تغییر کند استراتژی آن دولت نیز دگرگون خواهد شد (انصاری، ۱۳۹۶: ۶).

به طور کلی نظریه موازنه منافع بر این است که دولت‌ها اساساً توسعه طلب هستند آن‌ها هنگامی که در موضع ضعف قرار داشته باشند و دیگر متغیرهای داخلی نیز محرک‌هایی برای انقلابی‌گری نباشند، دولت‌ها در عرصه بین‌المللی محتاطانه‌تر رفتار می‌کنند اما افزایش قدرت آن‌ها سبب می‌شود که از موضع نیرومندتری در عرصه بین‌المللی منافع ملی‌شان را بسط دهند. از این چشم‌انداز دولت‌ها مترصد فرصت برای افزایش بیشتر قدرت ملی هستند و بر این اساس فرصت‌های افزایش منافع‌شان را مغتنم شمرده و در موقعیت‌های مناسب راهبردهایی متناسب برای کسب منافع بیشتر در محیط بین‌المللی در پیش می‌گیرند (جانسیز و بهرامی مقدم، ۱۳۹۵: ۵). بر این اساس سیاست هند تحت تاثیر متغیرهای درونی و بین‌المللی از تجدید نظرطلبی با اهداف نامحدود به تجدید نظرطلبی با اهداف محدود دگرگون شده است. چنین دگرگونی در سیاست خارجی هند در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی پدیدار شده است که در ادامه از چشم‌انداز نظریه موازنه منافع به بررسی این تحول در حوزه خاورمیانه و در قبال کشورهای ایران و اسرائیل پرداخته می‌شود.

۲- سیاست خارجی هند در خاورمیانه

بعد فروپاشی شوروی نخستین تحول در سیاست منطقه‌ای هند پس از جنگ سرد طرح سیاست نگاه به شرق بود که هند بر اساس آن پس از جنگ سرد در درجه اول به تحولات اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای با جنوب شرق آسیا متمرکز شد. دومین تغییر کلی در جهت‌گیری سیاست خارجی هند را می‌توان با سیاست نگاه به غرب توصیف نمود. در این تغییر ایران و دولت‌های حوزه خلیج فارس در سیاست نگاه به غرب جایگاه ویژه‌ای دارند و در این راستا پیوند هند و رژیم اسرائیل نیز در چشم‌انداز سیاست نگاه به غرب برجسته شده است. سیاست نگاه به شرق به‌طور رسمی در سال ۲۰۰۵ توسط نخست وزیر هند، سینگ اعلام شد. تحت تأثیر دستاوردهای سیاست نگاه به شرق، سینگ سیاست نگاه به غرب را طراحی و اعلام نمود. در واقع نقطه آغاز سیاست نگاه به غرب هند، دیدار سینگ و وزیر

بازرگانی هند در جوالی ۲۰۰۵ بود. در این دیدار سینگ اظهار داشت که: منطقه خلیج فارس شبیه به آسیای جنوبی بخش طبیعی از حوزه اقتصادی ما است. ما خواستار گسترش روابطمان با همسایگانمان در آسیای غربی هستیم. هند سیاست نگاه به شرق را با موفقیت به پیش برده است، ما می‌بایست سیاست مشابهی را در پیوند با همسایگانمان در آسیای غربی در پیش بگیریم (انصاری، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲). بدین خاطر که هند به زودی پس از ایالات متحده، چین و ژاپن به چهارمین مصرف‌کننده انرژی جهان تبدیل خواهد شد، ۳۱ درصد از انرژی مورد نیاز خود را از نفت تأمین می‌کند که ۶۸ درصد آن وارداتی است. هم اکنون یک چهارم و به زودی ۹۰ درصد واردات نفت هند از خلیج فارس وارد خواهد شد. هند باید نیازهای جمعیتی ۱/۲ میلیاردی خود را برآورده کند که تا سال ۲۰۳۰ بزرگترین جمعیت جهان خواهد بود. از این رو، هند درصدد است تا نفوذ خود را از فلات ایران تا خلیج تايلند افزایش دهد (در اینجا گسترش غربی و شرقی به معنای پوشش منطقه نفوذ نایب السلطنه راج است). تجارت هند با کشورهای عرب خلیج فارس و نیز ایران (که مدت‌هاست با هند روابط نزدیک اقتصادی و فرهنگی دارد و نمود آن در بندر چابهار پیگیری می‌شود) رو به افزایش است. تقریباً ۴/۳ میلیون هندی در شش کشور عربی شورای همکاری خلیج فارس مشغول به کارند و سالانه ۹/۵ میلیارد دلار پول به کشورشان ارسال می‌کنند. از دیگر سو، تعادل قدرت در سطح جهان در حال گذار به سمت شرق است و هند با آگاهی از این مسئله، آماده است تا ارتباطات راهبردی را با خاورمیانه گسترش دهد. نارندرا مودی برای این روند سیاسی حتی شعار هم ابداع کرده است: «پیوند با غرب». این پیوند سبب می‌شود خاورمیانه همان جایگاهی را داشته باشد که جنوب شرق آسیا در سیاست «پیوند با شرق» هند پیدا کرده است (برزگر و رضایی، ۱۳۹۶: ۴-۶).

اقیانوس هند و دریای عمان از منظر ژئواکونومیکی همچنان که در تجارت بین‌المللی حائز اهمیت است برای ظهور اقتصادی و نظامی هند نیز اهمیتی حیاتی دارد. بیش از نیمی از موقعیت جغرافیایی و ژئواستراتژیک تنگه هرمز که در واقع مهم‌ترین گلوگاه ورودی به این

اقیانوس است، در اختیار ایران قرار دارد. تنگه باب‌المنندب از دیگر تنگه‌های استراتژیک در مجاورت اقیانوس هند است اما منافع هند فراتر از قلمرو دریایی در پیرامون وسیع اقیانوس هند یعنی گستره وسیع خاورمیانه و آفریقا سبب طرح استراتژی نگاه به غرب در سیاست هند شده است. به طور کلی سیاست نگاه به غرب هند، باز فرمول‌بندی سیاست و روابط خارجی این دولت در سراسر خاورمیانه و آفریقا را توضیح می‌دهد. سیاست گذاران هند معتقد هستند که منافع بدست آمده از نگاه به غرب از طریق استراتژی چند دهه‌ای بعد از فروپاشی شوروی به وجود آمده است. این استراتژی شامل سه عمل موازنه سازی است که هر کدام نقش عمده‌ای در تثبیت سیاست خاورمیانه‌ای هند برخوردار بودند: ۱- موازنه در روابط هند با ریاض و تهران، علی‌رغم اینکه دو کشور وارث جنگ استراتژیک و فرقه‌ای هستند که ادامه این اوضاع باعث نابودی ظرفیت‌های منطقه می‌شود. ۲- موازنه میان خواسته‌های دوجانبه تهران و واشنگتن در فضای جنوب شرق آسیا و غرب آسیا که بحران هسته‌ای ایران به خوبی سیاست تعهدات چندجانبه هند را نشان داده است. ۳- موازنه طولانی مدت میان حمایت از آرمان‌های فلسطینیان و رابطه‌ی دفاعی و راهبردی مستحکم با اسرائیل که این نوع رابطه راهبردی از سال ۱۹۹۲ رو به فزونی است. در عمل هر یک از این سه مورد به نفع یک کشور در منطقه نتیجه داده است: موازنه میان ریاض و تهران به نفع تهران تمام شده است؛ در مورد دوم واشنگتن توانست سیاست‌های خود را به هند دیکته کند و در مورد سوم تل‌آویو با لابی گسترده خود توانست از شدت حمایت دهلی نو از آرمان‌های فلسطینیان بکاهد. در عین حال هند به طور فعال خود را به عنوان "دوست قدیمی و شریک زندگی که هیچ‌گاه طلبی سیاسی و یا منطقه‌ای ندارد" تعریف کرده که با این سیاست می‌تواند نقش متعادلی در بازی‌های قدرت بزرگ منطقه ایفا کند (Joshi, 2015: 3).

۲-۱. سیاست تعهدات چند جانبه هند در قبال ایران

هند در راستای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ همواره به دنبال برقراری روابط متوازن با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. در واقع از این راه به فراتر از محیط محدود کننده جنوب آسیا می‌نگرد و قابلیت‌های خویش در راستای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ جهانی را افزایش می‌دهد. از طرفی با تحول سیاست خارجی هند از جهان سوم‌گرایی به عمل-گرایی اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۹۰، ایران جایگاهی ویژه در سیاست خاورمیانه‌ای هند کسب کرده است. زیرا ایران جز دو منطقه ژئوپلیتیک غرب جنوب آسیا و خاورمیانه می‌باشد و جایگاه هر دو منطقه نیز در نظام بین‌الملل ارتقا یافته و از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی مورد توجه نظام بین‌الملل است. ایران در عین حال بخشی از زیر مجموعه جنوب غربی آسیا و عضوی از گروه کشورهای خلیج فارس و دریای خزر است. همچنین در حال حاضر نیز مجموعه تاسیسات و تجهیزات دریایی و بندری و شبکه‌های مواصلاتی ایران، آن را به عنوان گزینه‌ای غیر قابل انکار برای تبدیل شدن به محور ترانزیت کالا، خدمات و مسافر در منطقه تبدیل کرده است. همین جاذبه‌های ژئوپلیتیکی باعث شده تا ایران جایگاه ویژه‌ای در نگاه سیاست‌مداران هندی داشته باشد (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱). به همین سبب، در بازی بزرگ کنونی، نقش و جایگاه ژئوپلیتیک ایران برای هند اهمیت مضاعفی دارد. به طور مثال هند ایران را در توسعه فرودگاه چابهار (در ساحل دریای عمان) یاری رسانده است؛ فرودگاهی که به عنوان پایگاه مقدم نیروی دریایی ایران نیز ایفای نقش خواهد کرد. از طرفی بندر چابهار می‌تواند نقشی مهم در توسعه تجارت هند با آسیای مرکزی و افغانستان داشته باشد و بیشتر کالاهای هندی از طریق دریا از این بندر به کشورهای افغانستان و آسیای مرکزی ترانزیت شود. سرمایه‌گذاری هند در توسعه این بندر تا پیش از توافق هسته‌ای وین با موانعی از جمله تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا مواجه بوده است. موضوعی که پس از لغو تحریم‌ها، تا حدودی قابلیت اجرایی یافته است (Baru, 2012: 35). به طوری که پس از لغو تحریم‌ها، تجارت هندوستان در ایران افزایش یافته است. از آوریل ۲۰۱۵ تا فوریه ۲۰۱۶، صادرات هند به ۲.۶

میلیارد دلار رسید، در حالی که واردات از سال گذشته به ۵٫۶ میلیارد دلار دو برابر شده است (The Economic Times, 27 May 2016). هند مهم‌ترین شریک ایران در زمینه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بندر چابهار است. در همین راستا در ماه مه سال ۲۰۱۶، مودی نخست وزیر هند ضمن بازدید از ایران در مورد تجدید همکاری با ایران درباره همکاری اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها و مبادلات فرهنگی گفتگو کرد. مهم‌ترین جنبه دیدار مودی، نتیجه‌گیری توافق سه جانبه با افغانستان برای توسعه بندر چابهار بود که هندوستان را از طریق عبور از پاکستان به افغانستان می‌رساند. سرمایه‌گذاری هند در چابهار حدود ۵۰۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود و شامل تأسیس یک منطقه اقتصادی ویژه و کارخانه‌های متعدد است که می‌تواند با سوخت‌های ایرانی با نرخ تخفیف اجرا شود (Bearak & Murphy, 2016). در مجموع، راه ترانزیتی بندر چابهار مسیری امن‌تر، به‌صرفه‌تر و کوتاه‌تر برای تجارت هند به‌جای مسیر پاکستان است. یادآوری می‌شود که هند از رابطه با ایران به‌دنبال یک ایجاد دالان شمال به جنوب به‌ویژه یک مسیر تجاری بین آسیای مرکزی و بندر چابهار است. موضوع انتقال گاز ایران از مسیر پاکستان (یا خلیج فارس و دریای عربی) به هند بسیار حائز اهمیت است. گفتنی است وابستگی هند در سال ۲۰۲۵ به واردات گاز به ۹۱ درصد خواهد رسید. از سوی دیگر، هند به بازارهای ایران و آسیای مرکزی نیاز دارد. سطح تجارت دو کشور در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ حدود ۸۹۶/۱۲ میلیارد دلار بود که به این مقدار باید ۲۳ میلیون دلار مبادله محصولات غیرنفتی را نیز افزود (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۳).

هند همچنین یکی از مهم‌ترین شرکای ایران در زمینه کریدور بین‌المللی شمال-جنوب است که بوسیله خطوط ریلی و جاده‌های و بنادر و کشتیرانی سواحل هند را از طریق بنادر ایران در خلیج فارس به آسیای میانه و قفقاز و از آنجا به روسیه و اروپا متصل می‌کند، برآورد می‌شود که این مسیر بازرگانی دسترسی هند را به اروپا و روسیه که از طریق کانال سوئز حدود ۵۵ روز به طول می‌انجامد به حد ۳۳ روز کاهش دهد. هند از طرفی با مانع پاکستان برای دسترسی به آسیای میانه مواجه است و در رقابت با نفوذ پاکستان چین در

آسیای میانه منافع سیاسی در دسترسی به آسیای میانه نیز دارد (نیاکویی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۴۱). در زمینه تأمین انرژی ایران هم‌چنین یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان نفت و گازهای برای هند است. دو کشور هم‌چنین در زمینه‌های تجاری و بازرگانی منافع مهمی دارند. در ۲۲ می ۲۰۱۶، نخست‌وزیری هند به تهران سفر کرد و در طول دیدار با رئیس‌جمهوری ایران دو طرف ۱۲ توافق در زمینه‌های مختلف امضا کردند که مهم‌ترین آن توافق برای ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری هند در بندر چابهار است. ارزش مبادلات تجاری هند با کشورهای CIS در سال ۲۰۱۴، قریب به ۱۲ میلیارد دلار بوده است، که در صورت بهره‌برداری از بندر چابهار و اتصال این بندر به خطوط راه آهن جنوب به شمال، هزینه‌های حمل و نقل این کشور با این حوزه درصد قابل توجهی کاهش خواهد یافت. در زمینه‌های تجاری حجم تجارت دو ایران و هند در سال ۲۰۱۶، معادل ۱۵ میلیارد دلار بوده است (انصاری، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۳).

به نظر می‌رسد جایگاه ایران در سیاست خارجی هند بیش از همه براساس نقش این کشور در تأمین امنیت انرژی، اقتصاد در حال رشد هند و در مراتب بعد گشودن راهی برای دسترسی این کشور به بازارهای آسیای مرکزی و روسیه تعریف شده است. افزون بر این نقش ایران در موازنه قدرت مطلوب هند در منطقه به‌ویژه در افغانستان نیز با اهمیت دیده شده است، اما در مقابل روابط هند و آمریکا و به تبع آن بحران هسته‌ای ایران، نقش بازیگران ثالث مثل اعضای شورای همکاری خلیج فارس و برخی تعارضات و رویکردهای متفاوت دو کشور مثل سیاست‌ها در قبال رژیم اسرائیل از جمله عوامل محدودساز روابط دو کشور محسوب می‌گردد. در این بین تسلط عمل‌گرایی در سیاست خارجی هند و نیز مکتوبات پژوهشگران هندی از دیگر سو باعث شده تا جملگی گسترش روزافزون روابط این کشور با آمریکا را رویکردی مناسب و در راستای توسعه این کشور تلقی کرده و کاهش روابط این کشور با آمریکا را رویکردی نامناسب و در راستای عدم توسعه این کشور تلقی کرده و کاهش روابط با ایران را مابه‌ازایی معقول در این روند تلقی کنند. در این میان به نظر

می‌رسد وضعیت مطلوب در سیاست خارجی هند توسعه روابط با هر دو کشور ایران و آمریکا است، اما از آنجا که پیگیری چنین هدفی تعارض آمیز است، کاهش سطح روابط با ایران در حد امکان، بر مبنای معادله هزینه-فایده در راستای مصلحت استراتژیک هند قرار دارد. البته این بدان معنا نیست که محققین هندی از ترجیح کامل روابط با آمریکا بر روابط با ایران جانبداری می‌کنند، بلکه تاکید دارند که گسترش حداکثری روابط با آمریکا و حفظ حداقلی از روابط با ایران در شرایط کنونی گزینه ممکن سیاست خارجی هند است.

۲-۲. سیاست تعهدات چند جانبه هند در قبال اسرائیل

هندوستان از سیاست ایدئولوژیک محور دوران جنگ سرد عبور کرده و منافع محور و امنیت محور شده است که نتیجه منطقی این رویکرد برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل در ژانویه سال ۱۹۹۲ بوده است. هند قبل از برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل، حمایت خود را از آرمان‌های فلسطینیان ابراز نموده بود. در همین راستا یاسر عرفات از هند دیدار کرد و پذیرفت هند حق برقراری روابط مستقل با اسرائیل را داراست و اینکه فلسطینی‌ها حق ندارند این تصمیم را مورد سوال قرار دهند مخصوصاً از آنجایی که آن‌ها نیز در مذاکره با اسرائیل بودند. از دیدگاه دهلی نو، منافع فلسطین در ایجاد دو کشور است که در کنار هم در صلح زندگی کنند و تلاش‌های هند برای کمک به استقرار دولت فلسطین از فواید روابط دو جانبه خواهد بود. کنفرانس مادرید منجر به توافقات اسلو در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین شد که از طریق آن دولت اسرائیل به رسمیت شناخته شد. این توافقات منجر به ایجاد مؤسسه ملی فلسطین (PNA) با استقلال محدودی شد. علاوه بر این، در دهه ۱۹۹۰ هندوستان اصلاحات اقتصادی را آغاز کرد و نقاط قوت خود را به وجود آورد. در حالی که سیاست حمایت از موضوع فلسطین را ادامه می‌داد، به آرامی روابط خود را با اسرائیل برقرار ساخت. این سیاست‌ها در مسیر موازی تقویت روابط با اسرائیل ترسیم شده بود و برای جهان عرب این موضوع مورد تایید قرار گرفت که رفتار هند نسبت به قبل فروپاشی شوروی کاملاً تغییر کرده است (Singh, 2017: 5-6).

در ابتدای دهه ۱۹۹۰ اسرائیل به دومین عرضه کننده قابل اعتماد تسلیحات به هند تبدیل شد. اسرائیل رادار به سرعت هشدار دهنده گرین پاین را به هند فروخت و تمایل داشت تا آن را با فروش موشک‌های ضد بالستیک کامل کند. همچنین فروش سیستم هوایی به سرعت هشدار دهنده فالکون را به مراحل نهایی اش رساند. (Gupta, 2005:22). براساس توافقات به عمل آمده بین هند و اسرائیل در ژانویه ۲۰۰۷، دو طرف موافقت‌نامه به ارزش ۳۳۰ میلیون دلار را برای تولید مشترک نسل جدید موشک‌های زمین به هوای باراک ۸ نیز نامیده می‌شود، امضا کردند. علاوه بر این دو طرف توافق کردند که هند ۱۰۰ فروند هواپیمای بدون سرنشین هرون ایگل با قابلیت عملیاتی تا ارتفاع ۲۰ هزار پا به ارزش ۵۵۰ میلیون دلار از اسرائیل خریداری نماید (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۱). در ژانویه ۲۰۰۸ هم فصل جدیدی در همکاری هند و اسرائیل نیز گشوده شد. هند یک ماهواره جاسوسی اسرائیلی را به هوا فرستاد. همکاری دو جانبه وارد حوزه هسته‌ای هم شد. قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۷ آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از همه کشورهای خاورمیانه می‌خواست تا ساخت بمب هسته‌ای را کنار بگذارد. آمریکا، کانادا، گرجستان و هند در دفاع از اسرائیل به این قطعنامه رای ممتنع دادند (قدیری، ۱۳۸۸: ۶۲). متعاقب آن همکاری‌های هند و اسرائیل در زمینه تسلیحات بطور چشم‌گیری رشد یافته است هم چنین حجم تجارت دو طرف از ۲۰۲ میلیون دلار در ۱۹۹۲ به ۵۴٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ افزایش یافته که در سال ۲۰۱۵ به ۵ میلیارد دلار رسیده بود. صادرات تسلیحات نظامی مهمترین مؤلفه در روابط تجاری دو بازیگر است (Muni, 2016: 704). ارقام برای 2019-2020 در حال حاضر در دسترس نیست، اما شگفت‌انگیز نخواهد بود اگر اسرائیل در میان سه نفر برتر تامین کنندگان اسلحه به هند قرار بگیرد. با تصویب دولت هندوستان، قرارداد چند میلیارد دلاری برای خرید موشک‌های هدایت شده ضد تانک (ATGMs) علاوه بر تقویت ارتش هند، موقعیت مالی اسرائیل در سال جاری ۲۰۱۹-۲۰۱۸ را تقویت کرده است. با توجه به احتمال تکرار سفارشات برای موشک و چندین پروژه توسعه نظامی دیگر، اسرائیل دارای توانایی ظهور به

عنوان یک بازیکن قدرتمند در بازار دفاعی هند است که انتظار می‌رود در عرض ۱۰ تا ۱۵ سال آینده ارزش آن ۱۵۰ تا ۲۵۰ میلیارد دلار باشد (Cowshish, 2018: 2-3). عده‌ای از تحلیل‌گران اسرائیلی این‌گونه روابط را به عنوان ائتلافی از سه ملت دموکرات مسیحی-صهیونیست و هندو علیه جهان اسلام تلقی کردند (Gupta, 2005).

اهمیت اسرائیل در سیاست خارجی هند در واقع بیش از هر عاملی متأثر از ضرورت‌های نوسازی نظامی هند است و عمده صادرات اسرائیل به هند را نیز تسلیحات تشکیل می‌دهد. از طرفی روابط سیاسی با هند برای اسرائیل اهمیت والایی دارد. اسرائیل که با مساله عدم شناسایی بین‌المللی از طرف اغلب کشورهای مسلمان مواجه است همواره تلاش نموده است که روابط سیاسی خود را گسترش دهد. در زمینه بازرگانی نیز هند پس از چین و هنگ کنگ سومین شریک بزرگ تجاری برای رژیم اسرائیل در آسیا محسوب می‌شود. باتوجه به موقعیت راهبردی هندوستان در اقیانوس هند و باتوجه به تمایل صهیونیست‌ها برای بازکردن پای خود در این اقیانوس و افزایش عمق راهبردی خود، دیگر حوزه‌ای که احتمال افزایش همکاری‌ها در آن زیاد به نظر می‌رسد، حوزه دریانوردی و همکاری‌های مشترک نظامی در اقیانوس هند است. همان‌طور که در سال ۲۰۰۰ زیردریایی‌های صهیونیستی اقدام به پرتاب موشک‌های کروز با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای نمودند؛ اقدامی که بعید به نظر می‌رسد بدون اطلاع هند و جلب رضایت این کشور بوده باشد. روابط اقتصادی هند با اسرائیل هم از ۲۰۰ میلیون دلار تعامل اقتصادی دو طرف در ۱۹۹۲م، به مبلغی حدود ۱۹/۵ میلیارد دلار در ۲۰۱۱م رسیده است. در نتیجه بحران اقتصادی، افت ۳/۱۴٪ در روابط اقتصادی دو طرف پدید آمد؛ به‌گونه‌ای که روابط تجاری دو طرف هیچ‌گاه از ۴/۴ میلیارد دلار بالاتر نرفت. موازنه‌ی تجاری میان دو کشور، ۵۷۳ میلیون دلار به سود اسرائیل بوده است. طی ۹ ماه اول سال ۲۰۱۳ حجم روابط تجاری دو طرف به ۲۴/۳ میلیارد دلار رسید. تخمین زده شده است که با امضای توافقنامه‌ی تجارت آزاد بین دو کشور، حجم مبادلات اقتصادی و تجاری دو طرف به ۱۵ میلیارد دلار در سال برسد. دور هشتم گفتگوها برای رسیدن به این توافقنامه در

نوامبر ۲۰۱۳م در اسرائیل برگزار شد. در سال ۲۰۱۰م هند ششمین شریک تجاری اسرائیل و چهارمین مقصد صادرات اسرائیل گردید. صادرات عمده‌ی هند به اسرائیل نیز شامل سنگ‌های قیمتی، فلزات، مواد شیمیایی و معدنی و ماشین‌آلات می‌شود. اسرائیل جایگاه سی‌وهشتم را در زمینه‌ی جریان سرمایه‌گذاری خارجی در هند دارد که در ۲۰۱۱م بالغ بر ۶۰ میلیون دلار بوده است. همچنین اسرائیل تکنولوژی‌های انرژی پاک، نانو، تاسیسات آبیاری جدید و زیرساخت‌های فنی به هند صادر کرده است (Israel special, 2013). از این رو، همکاری بین هند و اسرائیل محدود به هوا فضا و دفاع و در داخل آن بخش برای تهیه تجهیزات نظامی نیست. مشارکت دوجانبه به مناطقی مانند هوش، علم و فن‌آوری، گردشگری، کشاورزی و سایر اشکال تجارت گسترش می‌یابد. با این حال، هوافضا و دفاع به عنوان بخش مهمی از تعامل دوجانبه پدیدار شده‌اند، زیرا هند از زمان قرن بیستم تجهیزات متنوعی از اسرائیل را تأمین می‌کند (Cowshish, 2017: 4).

یکی دیگر از اهداف سیاست خارجی هندوستان مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی در کشورهای همسایه است. دولت هند سال‌هاست که قربانی نیروهای افراطی تحت حمایت پاکستان در کشمیر است. مبارزات مجاهدین کشمیری الهام‌گرفته از مقاومت افغان‌ها در برابر شوروی سابق می‌باشد. با این تفاوت که از نظر منابع مادی و تجهیزات لجستیکی از سوی پاکستان حمایت می‌شوند (و ثوقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹). برای اسرائیل هم، کنترل حلقه‌ی اول و دوم محیط امنیتی پیرامونی و کاستن از خطرات و تهدیدات متوجه دولت یهودی، همواره مهم‌ترین نگرانی اسرائیل بوده است. امن‌نگه داشتن منطقه از تهدیدات ایدئولوژیک که می‌تواند اثرات سوئی در درازمدت داشته باشد اولویت نخست دولت یهودی بوده است. نگرانی عمیق از آنچه تروریسم اسلامی خوانده می‌شود و نوعی اسلام‌هراسی مشترک، همگرایی بنیادین‌تری میان دهلی نو و تل-آویو ایجاد کرده است. وجود دشمن مشترکی به نام القاعده، افغان‌العرب‌ها، طالبان، وهابیت و گروه‌های تندرو اسلامی وابسته به این نحله و لزوم کاستن از تهدیدهای آنان،

نزدیکی بیشتری میان دو طرف ایجاد کرده است. پس از بحران گروگان‌گیری در کشمیر، و به طور مشخص پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان و قدرت‌نمایی القاعده در امریکا، هر دو کشور نگران اوج‌گیری خصومت اسلام‌گرایان و افراطیون به همکاری‌های امنیتی فیمابین عمق و شدت بیشتری بخشیدند. اوج این همکاری‌ها در عقد تفاهمنامه امنیتی میان دو طرف پس از سفر شارون به هند بود (الرکابی، ۱۳۹۰: ۲۱). با گسترش روابط دیپلماتیک بین هند و اسرائیل امکان همکاری بیشتری بین سازمان‌های ضد تروریستی دو کشور به وجود آمد. اسرائیل توانست در بخش آموزش ضد عملیات تروریستی تعدادی از افراد دستگاه ضد تروریست هند را آموزش دهد و تجهیزات پیشرفته‌ای که برای این منظور بکار گرفته می‌شود را در اختیار هند قرار داد. همکاری‌های دو کشور در بخش‌های تبادلات اطلاعات در مورد گروه‌های تروریستی، منابع مالی، جذب و بکارگیری افراد، نوع و نحوه تعلیم و انجام عملیات آنها به سرعت گسترش یافت. فروش تجهیزات پیشرفته جاسوسی اسرائیل به هند مانند سیستم‌های متحرک هشدار دهنده در مرزها و تجهیزات کنترل نفوذ گروه‌های تروریستی در منطقه مرزی کشمیر (خط کنترل) و همچنین پهبادهای بدون سرنشین که قادرند حتی از ارتفاعات بسیار بالا اطلاعات لازم در خصوص تحرک نظامی کشورهای همسایه را ارسال نمایند، همگی در تقویت سازمان‌های ضد تروریستی هند موثر بودند. براساس اطلاعات موجود، موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) هم اینک در دهلی‌نو، پایتخت سیاسی هند، در بنگلور، پایتخت صنعتی این کشور و شهر بمبئی به عنوان بندر اصلی و مرکز مهم تجاری هند استقرار کامل یافته است (الوقت، ۱۷ مرداد ۱۳۹۶). از آغاز همکاری‌های هند با اسرائیل در بخش ضد تروریسم، موفقیت‌های سازمان‌های ضد تروریستی هند در برابر گروه‌های تروریستی بطور چشم‌گیری افزایش یافته است. نهادهای ضد تروریستی هند توانسته‌اند تعداد زیادی از عملیات تروریستی در داخل خاک هند را کشف و یا خنثی سازند و اکثر گروه‌های تروریستی ضد هند را تضعیف نماید. اسرائیل نیز با کمک بخش فضایی هند توانسته

ماهواره جاسوسی خود را به فضا پرتاب نماید تا با نزدیک شدن به مرزهای ایران دقیق‌تر از مسائل هسته‌ای و نظامی ایران اطلاعات کسب نماید (ساجدی، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۳). نکته‌ای که در تحلیل آینده روابط هند و رژیم صهیونیستی، علی‌الخصوص در حوزه خریدهای تسلیحاتی و همکاری‌های نظامی، باید در نظر داشت، این است که این رژیم در روابط خارجی و قراردادهای تسلیحاتی خود، هیچ ملاحظه حقوقی و انسانی ندارد و به هیچ قانون و کنوانسیون بین‌المللی راجع به محدودیت‌های فروش تسلیحات پایبند نیست. پس از جنگ سرد سیاست خارجی هند، روابط منفعت‌مدار را به تعامل ایدئولوژی‌مدار، ترجیح داده است. لذا افزایش حجم و کیفیت این قراردادهای تسلیحاتی، در آینده نیز مورد انتظار است و بعید به نظر می‌رسد از سوی طرف ثالثی محدود شود. نیاز به کسب مشروعیت از سوی اسرائیل و دسترسی آسان به تسلیحات پیشرفته‌ی غربی برای هند از سوی این رژیم، عوامل اصلی ارتقای روابط طرفین در این حوزه است. در هر صورت دهلی‌نو هر هدفی را که در گسترش روابط با اسرائیل تعقیب می‌کند باید هزینه‌های روابط استراتژیک خود را در جهان اسلام و خصوصا خاورمیانه که هند منافع گسترده‌ای در آن دارد، مد نظر داشته باشد.

نتیجه‌گیری

رهبران هندی بهترین گزینه برای هند را نوعی "ترکیب صنعتی- نظامی بومی" می‌دانستند که این کشور را از تنگنای خارجی قبل از جنگ سرد نجات دهد. با گذشت زمان و بعد فروپاشی شوروی فرصت مناسبی برای این کشور بوده است تا در عین برقراری روابط با آمریکا و متحد راهبردی‌اش اسرائیل، روابط خوبی با دیگر کشورهای خاورمیانه داشته باشد و از این کارت برای کسب امتیاز از این قدرت‌ها استفاده کند. از این رو کشور هند با داشتن میلیون‌ها نفر کارگر ماهر و غیر ماهر در کشورهای خاورمیانه که درآمد ارزی قابل توجهی برای این کشور ایجاد می‌کنند و واردات بیش از ۷۰٪ نفت مورد نیاز خود از کشورهای مسلمان خاورمیانه و همچنین داشتن روابط گسترده تجاری و اقتصادی با این کشورها، تا

حدودی طرح یک اتحاد استراتژیک بین خود و اسرائیل را در سیاست خارجی خود نپذیرفته است. هند داشتن روابط گسترده با اسرائیل را در جهت کسب منافع بیشتر (اقتصادی، نظامی، امنیتی، مبارزه با تروریسم و همچنین نزدیکی بیشتر با آمریکا) می‌داند. بنابراین توسعه مناسبات سیاسی- نظامی و امنیتی هند و اسرائیل الزاماً بدین معنا نیست که مناسبات هند و جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر منفی قرار دهد. هندوستان از این ظرفیت ملی برخوردار است که مناسبات متوازی بین کشورهای متخاصم ایجاد نماید و تحت تاثیر و نفوذ سایر کشورها قرار نگیرد. سیاست خارجی هند را منافع ملی‌اش تعیین می‌کند و منافع ملی هند ایجاب می‌کند ضمناً برقراری روابط دفاعی امنیتی نظامی با اسرائیل، در محیط داخلی با ایران مناسبات سیاسی- اقتصادی، تجاری برقرار کند و در محیط بین‌الملل تا آنجایی که منافع کلی هند به خطر نیفتد، با ایران مناسبات دوستانه داشته باشد. این معما گسترش سیاست هند با اسرائیل یا ایران ضمن تاثیر گذاری بر هر دو بازیگر در منطقه، سبب حساسیت دو طرف شده است و این بازیگران را به همکاری راهبردی با مخالفان هند در عرصه بین‌المللی سوق داده است. اما هند سعی کرده است که از میان فشارهای که منافع متعارض ایران و اسرائیل در خاورمیانه بر پیوندهایش وارد می‌نماید عمل‌گرایانه منافع ملی خود را جستجو و پی‌گیری کند و این فشارهای متعارض گرچه برای سیاست‌های خاورمیانه‌ای هند محدودیت‌هایی ایجاد کرده است اما سبب قطع روابط هند با هیچ یک از این دو بازیگر نشده است.

منابع:

- انصاری، محمد تقی زاد (۱۳۹۶). «تحول سیاست خاورمیانه ای هند در پرتو استراتژی نگاه به غرب». **فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام**، سال هفتم، شماره اول، بهار.
- آقاجانی، احمد و عسگری، محمود (۱۳۸۹). «قدرت افکنی هند و ملاحظه های امنیتی برای ج.ا. ایران». **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز.
- الرکابی، محمد جواد (۱۳۹۰). «سیاست خاورمیانه ای هند و اسرائیل؛ از تضاد و همکاری»، **فصلنامه مطالعات جهان**، دوره اول، شماره ۲، زمستان.
- برزگر، کیهان و رضائی، مسعود (۱۳۹۶)، «آینده رقابت های راهبردی متداخل در اقیانوس هند». **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۷، شماره ۱، بهار.
- جانسیز، احمد و بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۵). «عروج زیستمان های بدیل و ظهور اقتصادی هند در سیاست بین الملل». **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره پنجم، شماره دوم، تابستان.
- جانسیز، احمد، تقی زاد انصاری، محمد و بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۵). «تحول سیاست خارجی هند»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، پاییز.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۱). «گسترش روابط هند و اسرائیل: طرح پیرامونی یا استراتژی اتحاد»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال هشتم، شماره بیست و یکم، زمستان.
- سبحانی، مهدی (۱۳۸۹). «رفتارشناسی رویکردهای جدید در سیاست خارجی هند». **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و چهارم، شماره ۳، پاییز.
- شاهین، مهدی (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل سیاست خارجی ایران و هند تا سال ۱۳۹۲». **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، تابستان.
- شفیع، نوذر، نصیری، شهریار و متقی، افشین (۱۳۹۱). «رویکرد هند در قابل افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (با نگاه به ایران)»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال هشتم، شماره دوم، تابستان.
- قدیری، نیلوفر (۱۳۸۸). «شطرنج استراتژیک اوراسیا»، **همشهری دیپلماتیک**، دوره جدید، شماره ۳۹.
- نیاکویی، سید امیر و بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳). «روابط ایران و هند، فرصت ها و چالش ها»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۲۱، بهار.

- وثوقی، سعید؛ فلاحی، احسان و حیدری، قربانعلی (۱۳۹۳). «تبیین جایگاه افغانستان به عنوان کانون چند زیرسیستم منطقه ای با تأکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷، پاییز.
- الوانی، الوقت (۱۳۹۶). «روابط راهبردی هند و اسرائیل»، سایت فارسی، ۱۷ مرداد.
<http://alwaght.com/fa/News/106180>
- Ahmed, Zahid Shahab & Bhatnagar, Stuti (2018). The India-Iran-Pakistan Triad: Comprehending the Correlation of Geo-economics and Geopolitics. Asian studies review ,VOL 42, ISSUE 3, <https://doi.org/10.1080/10357823.2018.1479728>
- Ashwarya, Sujata (2016). india-iran relations: progress, problem and prospects. K w publishers pvt ltd. Delivered in 4-5 business days. http://www.kwpub.com/Home/product/9789383649761/india-iran-relations-progress_-problems-and-prospects.
- Baru, S. (2012). Geo-economics and strategy. Survival, vol 54, no 3, <https://doi.org/10.1080/00396338.2012.690978>.
- Bearak, M., & Murphy, B. (2016, 24 May). To sidestep Pakistan, India embraces an Iranian port. Washington Post. <https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2016/05/24/to-sidestep-pakistan-india-embraces-an-iranian-port>.
- Cowshish, Amit (2018). India-Israel Defence Trade: Issues and Challenges. Strategic Analysis, 2017 Vol 41, No. 4 ,<https://doi.org/10.1080/09700161.2017.1330445>.
- Israel Special (2013). Diplomacy and Foreign Affairs. http://www.ficci.com/s_pdocument /20287/Special-Israel-Feature.pdf.
- Gupta, Amit (2005). The US India Relationship: Strategic Partnership or Complementary Interests? Carlisle, PA, Strategic Studies Institute, U.S. Army War College, 2005.
- Muni, s (2016), the evolution of india Israel plicy: continuity, change and compromise since 1922. By Nicolas blarel, <https://global.oup.com/academic/product/the-evolution-of-indias-israel-policy-9780199450626?cc=us&lang=en&>.
- Economic Times (May 2016), New trade pact with Iran may be linked to volumes27. Retrieved from <http://economictimes.indiatimes.com/news/economy/foreign-trade/new-trade-pact-with-iran-may-be-linked-to-volumes/article-show/52458479.cms>.

- JOSHI, SHASHANK (2015). INDIA AND THE MIDDLE EAST. Asian Affairs, Vol. XLVI, no. II, 251–269, <http://dx.doi.org/10.1080/03068374.2015.1037164>.
- Singh, Sanjay (2017). India–Israel: The View from West Asia. Strategic Analysis, Vol. 41, No. 4, 348–354, <https://doi.org/10.1080/09700161.2017.1330940>.